



۲۰۲۰/۰۱/۱۲



عبدالقیوم میرزاده

## به پاسخ قهرنامه جناب محترم حمید انوری



در گام نخست خدمت شما محترم به عرض برسانم که برای نوشته مورد نظر این عنوان «باز هم سخنی در باره تعصب» به خاطری انتخاب گردید زیرا مقالات دیگری هم زیر عنوان تعصب و انواع تعصبات از این قلم به نشر رسیده است، نه به خاطر تعصب خوب و تعصب بد.

از نظر من همه انواع تعصبات مردود و انسان دشمن است. برای هر مورد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی راه های انسانی تلاش، مبارزه و پیگیری وجود دارد که با استفاده از آن می توان به سرمنزل مقصود رسید. تاریخ انکشاف جامعه بشری گویای مستند از نحوه های قهر آمیز، با تعصب و دگم اندیشانه برخورد با مسائل ملی و بین المللی است که شما به آن اشاره کرده اید، که به قیمت جان ده ها هزار و میلیون ها انسان تمام شده است. به این منظور من طرفدار خویشتن داری هستم بخصوص از جانب آنانی که خود را روشنگر و روشنفکر و روشن ضمیر هم قلمداد می کنند.

طوری که شما فرموده اید که من منحیث وکیل مدافع تلاش کرده ام (تیغ عدالت را از گلوی یک گروپ مورد نظر شان بردارند) هرگز چنین هدف ندارم. بالعکس رویداد های سال ۱۳۵۷ هجری و بعد از آن که باعث تباهی و بربادی ملت بلا کشیده ما گردید از نظر من مردود بوده و اقدامات ضد ملی، مغایر استقلال، حاکمیت ملی و منافع علیای کشور ما بود. از نظر من تجاوز اتحاد شوروی را به کشور ما محکوم بوده و تصمیم گیرندگان این تراژیدی خانمان بر انداز به پیشگاه ملت افغانستان محکوم اند.

من دقیقاً طرفدار محاکمه همه آنهایی که در این پروسه نیدخل و تصمیم گیرنده بودند می باشم. بسیار انسانی و شرافتمندانه می بود تا آنهایی که هنوز زنده اند به پیشگاه ملت افغان سر تعظیم فرود آورده و از ملت بلا کشیده ما عذر خواهی می کردند. من در نوشته های فراوانی این مسئله را با در نظر داشت علل و عوامل آن توضیح داده ام.

(مراجعه بفرمائید به کتاب «ملت منافع ملی و دولت ملت در افغانستان» از این قلم منتشره و وبسایت آریانا افغانستان آنلاین و سایر وبسایت های افغانی. من طرفدار برخورد با شیوه های انسانی و علمی قضایا می باشم. خوشبختانه در عصری که ما زندگی می کنیم دست علوم انسانی و تجربی در تمام شقوق جامعه طبیعت و ماورای طبیعت باز

است و خوشبختانه افغانستان هم از این علما و دانشمندان بی بهره نیست. این علما و دانشمندان دانشمندان همه جا را می‌کاوند، تصامیم و عملکرد رهبران، شخصیت‌ها و افراد را که در دل تاریخ ثبت است حلاجی می‌کنند، اشتباهات، خیانت‌ها و کجروی‌ها را بر ملا می‌سازند و راه‌های برون‌رفت را برای نسل‌های آینده کشور نشانی می‌کنند. اینکه همه تاریخ‌دان، جامعه‌شناس، سیاست‌مدار، اقتصاددان، اداره‌چی و متخصص امور نظامی (عسکری) گردند، بدون تکیه به اسناد و شواهد با یک جمله نفرت‌انگیز، با تعصب یک کتله را نفرین کند امریست نا بخردانه و مغایر همه اصول علمی، حقوقی و انسانی.

من نه در این نوشته و نه در هیچ یک از نوشته‌هایم به هیچ کس تاپه نزده‌ام و اهانت نکرده‌ام بلکه احتمال بسا نا‌رسایی‌ها در اصول اخلاقی را در معاشره انسانی عنوان کرده‌ام زیرا محیط خانواده در پهلوی اجتماع در باروری انسان‌ها تأثیر فراوان دارد.

اگر عمل و گفتار کودتاچیان ثور از جانب جناب شما مردود است، پس عمل بالمثل که شما عنوان می‌کنید هم مردود است زیرا شما هم عین گفتار و عمل را عنوان و حکم می‌کنید.

اگر حوصله دارید نگاهی به تاریخ جامعه بشری بیاندازید و یا حد اقل تاریخ معاصر کشور خود ما را مرور کنید به روشنی در می‌یابید که با دیدگاه‌های تعصب‌بار و دگم‌اندیشی هیچ مسئله حل نشده و بعد این هم حل نمی‌گردد. آنچه انسان‌ها را با ثواب بیشتر به منزل مقصود شان رهنمون می‌گردد همانا تفکر سالم، دگراندیشی، احترام به باورهای دگران، انعطاف‌پذیری، ارجحیت منافع همگانی بر دیدگاه‌های شخصی و حکم وجدان، ضمیر و شعور بی‌آلایش و صادقانه می‌باشد.

به صورت فشرده این بوده هدف من از این نوشته زیر عنوان «**باز هم سخنی در باره تعصب**» هرگز آرزو نداشته‌ام خاطری را برنجانم برعکس آرزوی من همدلی، تفاهم، همکاری و مساعدت همه چیز فهمان کشور، تلاش برای ایجاد فضای اخوت و برادری در کشور می‌باشد تا منحصیث یک ملت واحد به مشکلات خویش فایق آئیم.

با حرمت فراوان

\*\*\*\*\*

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته‌ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می‌توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف"

به پاسخ قهرنامه جناب محترم حمید انوری  
mirzada\_q\_۱۲۱\_paspkh\_ba\_jenab\_h\_anwari.pdf